

آخرین امپراتور دوران طلایی اسلامی چه کسی بود؟

۱۱ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۱۴

ظهیرالدین محمد بابر یا محمد بابر گورکانی بنیان‌گذار سلسله گورکانیان (امپراتوری مغولی) هند بود که آخرین امپراتوری از دوران طلایی اسلامی به حساب می‌آید.

ظهیرالدین محمد بابر فرزند میرزا عمر شیخ فرزند سلطان ابوسعید فرزند میرزا محمد فرزند میرانشاه فرزند تیمور لنگ، در چهاردهم فوریه ۱۴۸۳ میلادی مطابق با ششم محرم ۸۸۸ ه.ق. در ناحیه فرغانه (حوالی مرزهای شمالی افغانستان امروزی) زاده شد. [۲] نسبش از جانب پدر به واسطه پنج امیر به تیمور و از سوی مادر، قتلغ‌نگار خانم، به پانزده واسطه به چنگیز خان می‌رسد.

وی در سال ۸۹۹ ه.ق. در یازده سالگی پس از فوت پدرش عمر شیخ وارث حکومت فرغانه شد. او در اندجان حکومت می‌کرد و بر سر حکومت سمرقند با سلطان‌علی میرزا پسرعمش که در آن‌جا جلوس کرده بود اختلاف داشت. [۳] قسمت اول عمر بابر در ناحیه کوچک فرغانه به سر آمد. تا پس از آن به واسطه هجوم شیبانی خان اوزبک، در سال ۱۵۰۴ میلادی، از آن‌جا بیرون رانده شد.

محمد بابر مدت ۱۱ سال با فرمانروایان ازبک و تاتار جنگید و چون ضعف خود را احساس کرد و به کابل و قندهار آورد و پس از تسخیر خراسان ۲۲ سال در آن‌جا فرمانفرمایی کرد. به این ترتیب، دوره دوم عمرش را از ۱۵۰۴ میلادی تا ۱۵۲۵ میلادی، در افغانستان و بدخشان حکومت کرد و به فکر تسخیر هندوستان افتاد. [۴]

ظهیرالدین محمد بابر با لشکری جرار متشکل از ترک و تاتار و افغان به هندوستان حمله برد. در سال ۱۵۲۶ میلادی مطابق با ۹۳۲ ه.ق. ابراهیم لودی آخرین پادشاه طایفه لودیه (افغان) را که در دهلی سلطنت می‌کرد مغلوب ساخت و بدین طریق امپراتوری بزرگ گورکانیان هند معروف به «امپراتوری مغولی هند» را تأسیس کرد و اعقاب او حدود ۳۵۰ سال بر سراسر یا بخش‌هایی از شبه قاره هند فرمانروائی داشتند. [۵] او پس از فتح پانی پات که در آن سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد در ۲۰ آوریل ۱۵۲۶ میلادی، اگر و دهلی و شمال هندوستان را از رود سند تا بنگال به تصرف درآورد. این قسمت سوم که کوتاه‌ترین بخش زندگی اوست. او پنج سال در دهلی حکمرانی کرد تا مرگش فرا رسید. [۶] واژه بابر در زبان ترکی همان ببر حیوان مشهور است که بعضی از پادشاهان ترک این لقب به عنوان ببر یا پلنگ برای خود برگزیده‌اند. [۷] ظهیرالدین محمد بابر خدمات برجسته‌ای به علم و ادب نمود. [۸] مجموعه کاملی از یادداشت‌های بابر به دست ما رسیده که به «بابرنامه» معروف است و در آن به زبان ترکی جغتائی

شرح حال زندگی خود، فتوحات و رسم جهانداری را آورده است. [۹] این کتاب بعدها توسط عبدالرحیم خان جانان و به فرمان اکبر شاه بزرگترین امپراتور هند و از نوادگان بابر به فارسی برگردانده شد که به «توزوک بابری» معروف است [۱۰]. بابر به فارسی و ترکی شعر می‌گفته است. این ابیات زیبا از اوست: [۱۱]

نوروز و بهار و می و دلبری خوشست
بابر به عیش کوش که عالم دوباره نیست
همچنین
بازآی ای همای که بی طوطی خطت
نزدیک شد که زاغ برد استخوان ما

بابر در هندوستان و خراسان راه‌ها و کاروانسراه‌های بی‌شمار به‌وجود آورده و به عمران و آبادی بسیار خدمت کرد. [۱۲]

مجموع سال‌های سلطنت محمد بابر به ۳۸ سال بالغ شد. وی در ۲۶ دسامبر ۱۵۳۰ / ۹۳۷ ه.ق. در سن ۴۹ سالگی در اگرای هندوستان درگذشت. او را در ابتدا در شهر جمنه در باغچه‌ای موسوم به «نورافشان» به خاک سپرده بودند، در زمان شاه جهان استخوان‌های او را به کابل منتقل ساخته برای او در خارج شهر آرامگاه مجللی ساختند. پس از او پسر بزرگش همایون جانشینش شد. [۱۳]

انتهای پیام/

پی‌نوشت:

- [۱]- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۷
- [۲]- نقش صفویه در حکومت گورکانیان هند، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۳، ص ۶۰
- [۳]- همان جا
- [۴]- لغت‌نامه دهخدا
- [۵]- جلالی نائینی، سید محمدرضا، هند در یک نگاه، ص ۵۳
- [۶]- لغت‌نامه دهخدا
- [۷]- همان جا
- [۸]- تاریخ ادبیات براون، ج ۳، صص ۴۱۱-۴۱۰
- [۹]- لغت‌نامه دهخدا
- [۱۰]- همان جا
- [۱۱]- مجمع الفصحاً، ج ۱، ص ۱۹

[۱۲] - لغت نامه دهخدا

[۱۳] - قاموس الاعلام تركى، جلد ۲

منبع فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۶۹۰/آخرين-امپراتور-طلايہ-دورانہ-امپراتور-آخرين/>